



دوره جمع بندی دوپینگ

یکشنبه

۱۴۰۴/۰۱/۱۷

دفترچه پاسخ

بانک سؤالات کنکور:

درس های ۱ تا ۳ دوازدهم

دوپینگ ماز

گروه آزمایشی علوم انسانی
عربی

درس	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	زمان پیشنهادی
عربی	۳۳	۱	۳۳	۳۳ دقیقه

درس های ۱ تا ۴ دهم	درس های ۵ تا ۸ دهم	درس های ۹ تا ۱۲ دهم	درس های ۱۳ تا ۱۶ دهم	درس های ۱۷ تا ۲۰ دهم	درس های ۲۱ تا ۲۴ دهم
هفته اول	هفته دوم	هفته سوم	هفته چهارم	هفته پنجم	هفته ششم

۵۵ روز جمع بندی تا کنکور اردیبهشت

حق چاپ و تکثیر سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز «گروه ماز» مجاز می باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود.

به دلیل عدم رضایت تیم ماز، هر گونه استفاده غیر قانونی از دفترچه سؤالات و پاسخنامه ماز برای تمامی اشخاص، شرعاً حرام است.



۱- «كُلُّ النَّاسِ سِوَاءٌ وَ مَا هُمْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ لَّامٍ وَ لَآبٍ، وَ الْجَهْلُ يَفْتَخِرُونَ بِنَسَبِهِمْ!»:

- (۱) همهٔ مردم برابرند و جز گوشت و استخوان و پی از یک پدر و مادر نیستند، درحالی که نادانان به نسب خود افتخار می کنند!
- (۲) همهٔ مردم باهم برابرند و چیزی جز گوشت و استخوان و پی از پدر و مادرشان نیستند، حال آن که نادان مفتخر به نژاد خود است!
- (۳) مردم همگی باهم برابرند و جز گوشت و استخوان و عصبی از پدر و مادرشان نیستند، اما نادان به نسب خود فخر می فروشد!
- (۴) مردم همگی یکی هستند از گوشت و استخوان و عصب و از یک پدر و مادر، اما نادانان به نژاد خود افتخار می کنند!

(دشوار - ترجمه - ۱۲۰۱) (کنکور داخل ۹۸)

پاسخ: گزینه ۱

بررسی سایر گزینه ها:

- ما هم سوی (چیزی نیستند به جزء) ← رد گزینه ۴
 اُم و آب (یک پدر و مادر) ← رد گزینه های ۲ و ۳ به دلیل اینکه ضمیر اضافه آمده است.
 «جهال» جمع کلمه جاهل است به معنی نادان ها ← رد گزینه های ۲ و ۳
 «يفتخرون» فعل است به معنی افتخار می کنند و باید به همین صورت فعل ترجمه شود. ← رد گزینه ۲



پس از واژه کل در زبان عربی، یا اسم همراه با الف و لام می آید و یا بدون الف و لام که ترجمه این دو مدل، باهم تفاوت دارد.
 «کل» اگر قبل از یک اسم با الف و لام بیاید، معنی «همه، جمیعاً، همگی، تماماً و ...» می دهد.
 مثال: كُلُّ النَّاسِ (همه مردم، تمام مردم، مردم جمیعاً و ...)
 كل التلاميذ (تمام دانش آموزان، دانش آموزان همگی، جمیع دانش آموزان و ...)
 اما اگر «کل» پیش از یک واژه بدون الف و لام و با تنوین بیاید، معنای «هر» می دهد.
 كل تلميذٍ: هر دانش آموزی
 كل موجودٍ: هر موجودی



کلمه «کل» یک اسم دائم الاضافه است؛ یعنی اسم بعدش همواره مضاف الیه و مجرور می باشد.

گروه آموزشی ماز

۲- «لَيْتَ الطَّالِبُ يَعْرِفُونَ أَنَّ الطَّالِبَ الْمُجْتَهِدَ يَقْدِرُ أَنْ يُعَوِّضَ قَلَّةَ اسْتِعَادَةٍ بِالْإِجْتِهَادِ!»:

- (۱) شاید دانشجویان بدانند که دانشجوی کوشا می تواند کم بودن استعدادش را با تلاش جبران نماید!
- (۲) ای کاش دانش آموزان بدانند که دانش آموز کوشا می تواند کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!
- (۳) شاید دانش آموزان بفهمند که دانش آموز تلاشگر توانایی دارد که کم بودن استعداد را با تلاش جبران نماید!
- (۴) ای کاش دانشجویان می فهمیدند که دانشجوی تلاشگر توانمند است که کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!

(متوسط - ترجمه - ۱۲۰۱) (کنکور خارج ۹۸)

پاسخ: گزینه ۲

بررسی سایر گزینه ها:

- «لیت» کاش، ای کاش ← رد گزینه های ۱ و ۳
 «يعرفون» بدانند (فعل مضارع است) ← رد گزینه ۴
 «استعداده: استعدادش» ← رد گزینه ۳



حروف مشبیه بالفعل، حروفی اند که بر سر جمله اسمیه آمده و در معنا و مفهوم جمله، تغییراتی را ایجاد می کنند. دو تا از این حروف، «لیت» و «لعل» هستند که توضیحاتی را درباره این ها، ارائه می کنیم.
 «لیت» به صورت «کاش، ای کاش» ترجمه می گردد و برای بیان «تمنی و آرزو» استفاده می شود. گاهی به اشتباه، نقل می شود که لیت برای امور محال گفته می شود. شکی در این نیست که لیت برای بیان اموری به کار می رود که واقع شدنی نیستند، اما برای بیان امور شدنی هم استفاده می گردد. شما را ارجاع می دهیم به صفحه ۷ از کتاب عربی دوازدهم انسانی:
 لیت مهدياً فائزٌ في مسابقة كرة المنضدة
 پیروز شدن مهدی در مسابقه تنیس روی میز، به هیچ عنوان محال نیست.
 «لعل» به شکل «شاید، امید است» به فارسی برگردانده می شود. کاربرد آن برای «رجا یا امید» می باشد.

گروه آموزشی ماز



- ۳- «كنت أتلو آيات من القرآن الكريم في اصطفاة المدرسة الصبأحي وأنا في العاشرة من عمري!»:
- (۱) وقتی ۱۰ سال داشتم، در صف صبحگاهی من به تلاوت آیاتی از قرآن کریم می‌پرداختم!
 - (۲) در حالی که ۱۰ ساله بودم، در صف صبحگاهی مدرسه آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می‌کردم!
 - (۳) هنگامی که ۱۰ سال داشتم، در صف صبحگاهی بعضی آیات قرآن کریم را در مدرسه می‌خواندم!
 - (۴) در حینی که به ۱۰ سالگی رسیده بودم، در صف صبحگاهی مدرسه آیات قرآن کریم را قرائت می‌کردم!

(متوسط - ترجمه - ۱۲۰۲) (کنکور داخل ۹۹)

پاسخ: گزینه ۲

بررسی موارد:

كنت أتلو: تلاوت می‌کردم ← رد گزینه ۱



نکته

كان + مضارع: ماضی استمراری

آیات: آیاتی ← رد گزینه‌های ۳ و ۴



نکته

به معرفه نکره بودن اسامی در ترجمه دقت کنید

اصطفاة المدرسة الصبأحي: صف صبحگاهی مدرسه ← رد گزینه‌های ۱ و ۳



نکته

به ترکیب‌ها در ترجمه نباید چیزی اضافه شود و از آن‌ها کلمه‌ای نیز نباید کم شود.

گروه آموزشی‌ماز

- ۴- «لا داء في الطبیعة إلا و هو مؤلم ولكن له دواء، و الدواء هو أننا نسمح لكل موجود أن يقوم بأعمال خلق لها!»:

- (۱) هیچ مرضی در طبیعت بدون درد نیست إلا اینکه درمانی دارد، و آن درمان اجازه دادن به هر وجودی است که بتواند به کارهایی بپردازد که برای او خلق شده!
- (۲) مرضی در طبیعت وجود ندارد جز اینکه دردناک باشد لکن برایش دارویی است، و آن این است که اجازه دهیم موجودات همگی اقدام به کارهایی کنند که برای آن آفریده شده‌اند!
- (۳) هیچ بیماری در طبیعت نیست مگر اینکه دردناک است ولی درمانی دارد، و آن درمان اینست که ما به هر موجودی اجازه می‌دهیم به کارهایی بپردازد که برایش خلق شده!
- (۴) در طبیعت بیماری نیست که درد نداشته باشد ولی آن دوايي دارد، و دواي آن این است که به همه موجودات اجازه کارهایی را دهیم که برایش آفریده شده‌اند!

(ساده - ترجمه - ۱۲۰۱) (کنکور داخل ۱۴۰۱)

پاسخ: گزینه ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

لا داء: هیچ مرضی ← رد گزینه‌های ۲ و ۴



نکته

لای نفی جنس باید به صورت هیچ ... نیست ترجمه شود.

إلا: مگر اینکه ← رد گزینه ۴

و هو مؤلم: دردناک است ← رد گزینه‌های ۱ و ۴ ← جمله اسمیه ← اسم فاعل

ولكن: ولی ← رد گزینه ۱

لكل موجود: هر موجودی ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

گروه آموزشی‌ماز

- ۵- «لا تُبْرِئِ نَفْسَكَ، لَأَنَّ النَّفْسَ تَأْمُرُكَ بِالسُّوءِ دَائِماً، إِلَّا إِذَا تُرِيدُ أَنْ لَا تَسْمَعَ إِلَيْهَا وَ لَا تَعْمَلْ بِأَوَامِرِهَا!»:

- (۱) نفس خود را تبرئه مکن، زیرا نفس همیشه تو را به بدی امر می‌کند، مگر اینکه تو بخواهی به آن گوش ندهی و به اوامرش عمل نکنی!
- (۲) خویشتن تو از گناه بری نیست، زیرا که این نفس همواره تو را امر به بدی می‌کند، مگر زمانی که نخواهی به بدی گوش بدهی و به آن عمل کنی!
- (۳) خود را بی‌گناه ندان و تبرئه مکن، زیرا نفس تو همواره تو را به بدی دستور می‌دهد، مگر اینکه بخواهی به او گوش ندهی و به اوامرش عمل نکنی!
- (۴) تو هیچ‌گاه از گناه دور نیستی، زیرا نفس تو همیشه به تو دستور می‌دهد به بدی کردن، هرچند تو نخواهی به او گوش دهی و به خواسته‌هایش عمل کنی!

(متوسط - ترجمه - ۱۲۰۱) (کنکور خارج ۱۴۰۱)

پاسخ: گزینه ۱

بررسی سایر گزینه‌ها:

لا تُبْرِئِ نَفْسَكَ: نفس خود را مبری ندان، تبرئه نکن ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

النفس: نفس ← رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴



نکته

– توجه به حرکت‌گذاری‌های انتهای کلمات، با توجه به نوع فعلی که در جمله آمده است، ما را در یافتن ترجمه درست، یاری می‌کند. مثلاً در عبارت عربی، کلمه «نفس» به شکل منصوب، پس از یک فعل متعدی قرار گرفته است که به ما می‌گوید باید مفعول هم در ترجمه وجود داشته باشد و گزینه‌های ۲ و ۴ رد می‌شوند.
– اگر در صورت سؤال عربی ضمیر آمده، باید در ترجمه هم بیاید و اگر نیامده، ما هم نباید یا فراتر نهیم و در ترجمه بیاوریم.

گروه آموزشی ماز

۶- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) هل عملتَ حتّى الآن عملاً يُثير إعجاب الآخرين: آیا تاکنون کاری انجام داده‌ای که تحسین دیگران را برانگیزد،
- ۲) هناك معوّقون يعملون أعمالاً عجيباً و هم يواجهون مشاكل: معلولانی وجود دارند که با وجود روبه‌رو شدن با مشکلات کارهای عجیبی انجام داده‌اند،
- ۳) إنّ الطّفل الذي صار أعمى تظنّ أنّه لن يقدر أن يعمل عملاً: کودکی که کور شده گمان می‌کنی که نخواهد توانست کاری انجام دهد،
- ۴) و لكننا عندنا عُميّ قد حصلوا على جوائز كبيرة: ولیکن ما نابینایانی داریم که جایزه‌های بزرگی را به‌دست آورده‌اند!

(ساده – ترجمه – ۱۲۰۲) (کنکور خارج ۹۸)

پاسخ: گزینه ۲

پاسخ تشریحی:

«يعملون» فعل مضارع است به معنی انجام می‌دهند.
«و هم يواجهون مشاكل»: جمله حالیه است و به‌صورت «در حالی که با مشکلاتی مواجه می‌شوند» ترجمه می‌گردد.

نکته

«هناك» اگر در ابتدای جمله اسمیه بیاید، غالباً معنی «وجود داشتن» می‌دهد.
مثال: هناك أسماكٌ جميلةٌ في البحر (ماهی‌های زیبایی در دریا وجود دارد).

جمله حالیه

جمله حالیه را با عبارت «در حالی که» ترجمه می‌کنیم.

گروه آموزشی ماز

۷- عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) بعضُ النَّاسِ مِنْ نُهَاةِ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ دَائِمًا!: بعضی از مردم از نهی‌کنندگان کارهای بد همیشگی هستند!
- ۲) وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنَ الشَّبَابِ لَا يُحِبُّونَ أَمْرَهُمْ وَ نَهْيَهُمْ: ولی جوانان، بسیار از امر و نهی آنان را دوست ندارند،
- ۳) و يريدون أن يَصِلُوا هُمْ أَنْفُسَهُمْ إِلَى نَتِيجَةِ أَعْمَالِهِمْ: و می‌خواهند که آن‌ها خودشان به نتیجه کارهایشان برسند،
- ۴) نعم، قَدْ يَصِلُونَ إِلَى النَّتِيجَةِ وَلَكِنْ مَعَ خَسَارَةٍ لَا تُعَوِّضُ!: آری قطعاً به نتیجه می‌رسند اما با خسارتی که جبران نمی‌شود!

(دشوار – ترجمه / ترکیبی – ۱۲۰۲) (کنکور خارج ۹۹)

پاسخ: گزینه ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

- رد گزینه ۱: دائماً قید جمله است نه صفتِ اعمال.
ترجمه درست: بعضی مردم (بعضی از مردم) همواره از نهی‌کنندگان کارهای بد هستند.
رد گزینه ۲: كثيراً من الشباب: بسیاری از جوانان
رد گزینه ۴: قد يصلون: گاهی می‌رسند، شاید برسند.

نکته

«قد» بر سر فعل ماضی، «ادات تحقیق» است و به این مفهوم می‌باشد که فعل به طور قطعی و کامل محقق گشته است.
قد ذهب: رفته است
قد + مضارع معنای «گاهی، شاید» می‌دهد. یعنی هم می‌تواند به شکل مضارع التزامی با «شاید» و هم به صورت مضارع اخباری با «گاهی» به فارسی باز گردد.
قد یکتب: گاهی می‌نویسد، شاید بنویسد

گروه آموزشی ماز



۸- عَيْن الصَّحِيح:

- (۱) بَحْثُ عَدَدٍ مِنَ الْبَاحِثِينَ عَنْ حَيَاةِ الدَّلَافِينَ مُتَعَجِّبِينَ مِنْ مُسَاعَدَتِهَا لِلْإِنْسَانِ: تعدادی از پژوهشگران درباره زندگی دلفین‌ها تحقیق کردند و از کمک انسان به آن‌ها حیرت‌زده شدند!
- (۲) نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُعْطِينَا مَا يُحِبُّهُ: از خدا می‌خواهیم که آنچه را دوست داریم به ما بدهد!
- (۳) لَا يَرَى الْمُتَفَانِلُ الْمَصَاعِبَ إِلَّا فُرْصاً جَيِّدَةً فِي الْحَيَاةِ: خوش‌بین سختی‌ها را جز فرصت‌هایی نیکو در زندگی نمی‌بیند!
- (۴) مَنْ يَطْلُبُ حَيَاةَ هَادِئَةٍ يَتَعَاشَى مَعَ الْآخَرِينَ تَعَايُشاً: هر کس به دنبال آرامش در زندگی است با دیگران همزیستی می‌کند!

(ساده - ترجمه - ۱۲۰۲) (کنکور داخل ۱۴۰۱)

پاسخ: گزینه ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ مُتَعَجِّبِينَ: با تعجب ← حال مفرد را نباید به صورت فعل ترجمه کرد

مُسَاعَدَتِهَا لِلْإِنْسَانِ: کمک آن‌ها به انسان

۲ يُحِبُّ: دوست دارد ← للغائب است



نکته

در ترجمه به صیغه افعال دقت کنید.

۴ يَطْلُبُ: بخواهد ← فعل شرط

حَيَاةَ هَادِئَةٍ: زندگی آرامی ← ترکیب وصفی

يَتَعَاشَى ... تَعَايُشاً: قطعاً همزیستی می‌کند ← مفعول مطلق تاکید

گروه آموزشی ماز

۹- عَيْن الصَّحِيح:

- (۱) لَا صَيَادَ هُنَاكَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَسْتَخْرِجَ اللَّوْلُؤَ مِنْ مِيَاهِ نَهْرٍ صَغِيرٍ: هیچ صیادی نیست که بتواند از آب‌های رودی کوچک مروارید استخراج کند!
- (۲) إِنَّ عَدَدَ أَسْنَانِ الْكَلْبِ لَيْسَ أَكْثَرَ مِنْ اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ سَنًا: تعداد دندان‌های سگ بیش از بیست و چهار دندان نیست!
- (۳) لَيْتَنِي كُنْتُ أَقْدَرُ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا: شاید بتوانم همه مردم دنیا را راضی کنم!
- (۴) إِنَّ الْعَالِمَ يَسْعَى أَنْ يَغْلِبَ عَقْلَهُ جَهْلَهُ: عالم سعی می‌کند که با عقل خود بر جهل چیره شود!

(دشوار - ترجمه - ۱۲۰۱) (کنکور داخل ۱۴۰۲)

پاسخ: گزینه ۱

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ: چهل و دو



نکته

اعداد معطوف (اعداد یکان + و + اعداد دهگان) ۲۱ تا ۲۹ و... (در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید)

۳ لَيْتَ: کاش



نکته

«لَيْتَ: کاش» را با «لَعَلَّ: شاید» اشتباه نکنید.

۴ يَغْلِبُ عَقْلَهُ جَهْلَهُ: عقلش بر جهلش چیره شود.

با توجه به مرفوع بودن «عقل» متوجه می‌شویم باید به صورت فاعل ترجمه شود.



نکته

دقت کنید که ضمیرها باید در ترجمه لحاظ شوند.

گروه آموزشی ماز



۱۰- «در یکی از روزها «کسری» کشاورز سالخورده‌ای را دید که نهال گردویی را می‌کاشت پس تعجب کرد!:

- (۱) في يوم من الأيام شاهد «كسرى» فلاحاً عجوزاً يغرس فسيلة جوز فتعجب!
- (۲) في أحد الأيام رأى «كسرى» الفلاح العجوز يغرس الفسيلة من الجوز فتعجب!
- (۳) في أحد الأيام رأى «كسرى» فلاح العجوز و كان يغرس الفسيلة من الجوز و تعجب!
- (۴) في يوم من الأيام نظر «كسرى» ذلك الفلاح العجوز و هو يغرس فسيلة الجوز و تعجب!

(متوسط - ترجمه - ۱۲۰۳) (کنکور خارج ۱۴۰۳)

پاسخ: گزینه ۱

بررسی سایر گزینه‌ها:

کشاورز سالخورده‌ای: فلاحاً عجوزاً ← رد سایر گزینه‌ها
ترکیب وصفی نکره است و نباید به صورت معرفه بیاید
گردویی: جوز ← رد سایر گزینه‌ها



نکته

نکره است و نباید به صورت معرفه بیاید.

گروه آموزشی ماز

۱۱- عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْمَفْهُومِ: «أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمٌّ وَ لَأَبٌ!»:

- | | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| (۱) گرد نام پدر چه می‌گردد | پدر خویش باش اگر مردی |
| (۲) ذرات دو کون را به هم بیش نیست | کس نیست که با دگر کشش خویشی نیست |
| (۳) پارسا باش و نسبت از خود کن | پارسا زادگی ادب نبود |
| (۴) آنجا که بزرگ بایدت بود | فرزند کی کس نداشت سود |

(متوسط - مفهومی - ۱۲۰۱) (کنکور خارج ۱۴۰۳)

پاسخ: گزینه ۲

پاسخ تشریحی:

ترجمه عبارت صورت سؤال: ای افتخار کننده از روی جهل به اصل و نسب، مردم فقط از یک پدر و مادر هستند.

گزینه ۲ نیز اشاره به خویشاوندی مردم جهان با یکدیگر دارد.

در سایر گزینه‌ها مفهوم کلی این است که «نباید به اصل و نسب افتخار کرد» و اشاره‌ای به خویشاوند بودن مردم با یکدیگر ندارد.

گروه آموزشی ماز

۱۲- عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ (فِي الْمَفْهُومِ):

- (۱) «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» ← دین به دنیا نیرزد!
- (۲) «إِنَّ الْكُذُوبَ قَدْ يَصْدُقُ» ← مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ لَمْ يُسْمَعْ صَدْقُهُ!
- (۳) «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهُةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» ← مِنْ كَثْرَةِ الْمَلَأِخِينَ غَرَقَتِ السَّفِينَةُ!
- (۴) «إِنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْعَقْلِ وَالْأَدَبِ» ← نَهْ هَمِينَ لِبَاسٍ زِيَابَسْتَ لِبَاسِ أَدَمِيَّتِ!

(متوسط - مفهوم - ۱۲۰۱) (کنکور خارج ۱۴۰۱)

پاسخ: گزینه ۱

بررسی گزینه‌ها:

۱ ترجمه عبارت عربی بدین صورت است: «هیچ اجباری در دین نیست». این جمله، در حال بیان این مسئله است که دین و گزینش آن، اختیاری است و زور و جبری در آن وجود ندارد.

۲ «بسیار دروغگو، گاهی راست می‌گوید». این جمله در مقام بیان این است که اگر انسان، به دروغ‌گویی و کذب شناخته شود، سخنانش ناراست و دروغ سنجیده می‌شوند؛ هرچند که سخن راست و صدق نیز بگوید.

۳ «اگر در آسمان و زمین خدایی دیگر وجود داشت، بی‌گمان تباه می‌شدند». این عبارت بیانگر این ضرب المثل است. «آشپز که دوتا شد، آش یا شور می‌شه یا بی‌نمک». عبارت مقابل هم بیان می‌کند که اگر در کشتی، دو ناخدا وجود داشته باشد، به جهت دوگانگی و اختلاف نظر، کشتی غرق می‌گردد.

۴ «بی‌گمان زیبایی، زیبایی عقل و ادب است».

با خواندن این عبارت، متوجه می‌شویم که گوینده، قصد دارد بگوید که زیبایی و جمال اصلی، زیبایی درونی و باطنی است، نه زیبایی بیرونی و ظاهری.

گروه آموزشی ماز



۱۳- عَيْنُ الْغَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ: «إِذَا كَانَ الصَّبْرُ مَرًّا فَعَاقِبَتُهُ حُلُوةٌ!»:

- (۱) نیست رنگی که بگوید با من
(۲) ساختن با آن که عمری سوختم
(۳) صبر بر جور رقیب، چه کنم گر نکنم
(۴) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن
- اندکی صبر، سحر نزدیک است
سوختم یک عمر و صبر آموختم
همه دانند که در صحبت گل خاری است
به امید آن که روزی به کف اوفتد وصالی

پاسخ: گزینه ۲

(متوسط - مفهوم - ۱۲۰۱) (کنکور داخل ۹۹)

پاسخ تشریحی:

ترجمه عبارت: اگر صبر تلخ باشد پس عاقبت آن شیرین است.

در تمام گزینه‌ها به جز گزینه ۲ درباره نتیجه مطلوب صبر صحبت شده. (مفهوم عبارتی که در صورت سوال آمده نیز همین است)

گروه آموزشی ماز

۱۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ كُلَّ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ ظَالِمٌ، وَلَكِنْ عِنْدَمَا يَدْعُو عَلَيْكَ مَظْلُومٌ، تَفْقَدُ كُلَّ مَا مَلَكَتْ فَقْدَانًا أَبَدِيًّا!»:

- بتوانی هر چه را بخواهی مالک شوی ولی وقتی که یک مظلوم تو را نفرین کند، همه آن چه را به دست آورده‌ای از دست می‌دهی!
- (۱) شاید / با ستمکار بودن / مطمئناً
(۲) چه بسا / درحالی که ستمکاری / تا ابد
(۳) شاید / حال آنکه ظالمی / تا زمانی
(۴) چه بسا / با ستمکار بودن / مطمئناً

پاسخ: گزینه ۲

(متوسط - واژگان - ۱۲۰۲) (کنکور داخل ۹۹)

بررسی موارد:

رَبِّمَا: چه بسا ← رد گزینه‌های ۱ و ۳

وَأَنْتَ ظَالِمٌ: درحالی که ستمکاری ← رد گزینه‌های ۱ و ۴ ← جمله حالیه

جمله حالیه

گاهی برای بیان حالت یک اسم معرفه از جمله استفاده می‌کنیم.

مثال: «رَأَيْتُ الْفَتَى وَهُوَ يَضْحَكُ»: کودک را دیدم در حالی که می‌خندید.

- این جمله، یک جمله اسمیه است که بعد از یک حرف «وَ» می‌آید که به آن «واو حالیه» گفته می‌شود.
 - «واو حالیه» بین دو جمله می‌آید. یعنی لازم است قبل «وَ» هم یک جمله وجود داشته باشد.
 - دقت کنید که جمله بعد از «وَ» باید قابلیت بیان حالت را داشته باشد تا بتوانیم آن را حالیه حساب کنیم.
 - در بیشتر اوقات بعد از «واو حالیه» یک ضمیر در جایگاه مبتدا مشاهده می‌کنیم. اما ممکن است که کلمه‌ای به جز ضمیر نیز در جایگاه مبتدا باشد.
- حال از نوع اسم: اسم منصوب نکره/ به صورت قید ترجمه می‌شود. مثال: خندان، با خنده.
- حال جمله: واو + ضمیر (اسم) + خبر/ یا «درحالی که» یا «حال آن که» ترجمه می‌شود.
- تفقد ... فقداناً ابدیاً: تا ابد ← رد سایر گزینه‌ها

(۱) تأکیدی: قیدهای تأکید (حتماً - قطعاً - یقیناً و ...) قبل از فعل

+ مضاف‌الیه: (به صورت تشبیه ← مانند - همچون ...)

(۲) نوعی

+ صفت: (فقط صفت، به صورت قید ترجمه می‌شود.)

ترجمه مفعول مطلق

گروه آموزشی ماز

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ

۱۵- «كَانَ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَتَانِ، جَمَاعَةٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ جَمَاعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ!»:

- (۱) يَتَفَقَّهُونَ: مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
(۲) يَسْأَلُونَ: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
(۳) جَمَاعَتَانِ: اسم - متثنى مؤنث - نكرة - معرب / اسم «كان» من الأفعال الناقصة و مرفوع بالألف
(۴) المسجد: اسم - مفرد مذكر - اسم مكان (من فعل مزيد ثلاثي و مصدره «سجد») - معرف بال / مجرور بحرف «في»

پاسخ: گزینه ۳

(متوسط - تحلیل صرفی - ۱۲۰۳) (کنکور داخل ۹۹)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ (من باب تفعیل) ← (من باب تفعّل)



۲) مزید ثلاثی (من باب إفعال) ← مجرد ثلاثی

۴) (من فعل مزید ثلاثی و مصدره «سجود») ← (من فعل مجرد ثلاثی و مصدره «سجود»)

گروه آموزشی ماز

■ عین الصحيح فی الإعراب و التحلیل الصرفی

۱۶- «نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!»:

- ۱) أشجاراً: اسم - جمع مكسر أو تكسير (مفردة: شجر، مؤنث) - نكرة - معرب / مفعول أو مفعول به و منصوب
- ۲) ثمار: اسم - جمع مكسر أو تكسير (مفردة: ثمر، مذکر) - معرب / مجرور بحرف الجر؛ من ثمار: جار و مجرور
- ۳) نغرس: فعل مضارع - للمتکلم مع الغير - مجرد ثلاثی - لازم - معلوم / فعل مرفوع و مع فاعله: جملة فعلية و خبر و مرفوع
- ۴) يأكل: فعل مضارع - مجرد ثلاثی - متعدي / فعل منصوب بحرف «لکي» (= المضارع الاتزامي في الفارسية) و فاعله «الآخرون»

پاسخ: گزینه ۴

(متوسط - تحلیل صرفی / خط به خط - ۱۳۰۳) (کنکور خارج ۹۹)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- رد گزینه ۱: «شجر» مذکر است و «شجرة» مؤنث است.
- رد گزینه ۲: «ثمار» جمع کلمه «ثمر» است.
- رد گزینه ۳: «نغرس» فعل متعدی است و مفعولش «أشجاراً» در جمله حاضر است.

افعال لازم و متعدی

افعال را بر اساس اینکه مفعول می‌پذیرند یا خیر، به دو دسته لازم (مفعول ناپذیر) و متعدی (مفعول پذیر) تقسیم می‌کنند. راه اصلی برای اینکه بفهمیم یک فعل، لازم است یا متعدی، توجه به معنی آن و نیز دقت در اجزای جمله است. بعضی افعال مانند ذهب (رفت)، ساز (سیر کرد) و مضی (گذشت) به راحتی از روی معنا آشکارند که بدون نیاز به مفعول، کامل هستند. همچنین افعالی چون کتب (نوشت)، اکل (خورد) و وجد (یافت) مشخص‌اند که برای تکمیل معنا، علاوه بر فاعل، به مفعول محتاج هستند. اگر در جمله، فعلی را دیدیم که از روی معنا متوجه لازم یا متعدی بودن آن نشدیم، می‌توانیم دنبال مفعول در جمله بگردیم، اگر وجود داشت، پس فعل متعدی است. مثال: أوجد الله الإنسان (در اینجا انسان مفعول است. پس متوجه می‌شویم که فعل أوجد متعدی است).

نکته: افعال باب انفعال صد درصد لازم هستند.

انکسر: شکسته شد انقطع: بریده شد انقلب: دگرگون شد

نکته: افعال باب إفعال و تفعیل غالباً متعدی هستند.

أرسل: فرستاد أنشد: سرود أحدث: به وجود آورد

گروه آموزشی ماز

■ عین الخطأ فی الإعراب و التحلیل الصرفی

۱۷- «ارحموا عالمًا ضاع بين جهال»:

- ۱) عالمًا: اسم - مفرد مذکر - اسم فاعل (فعله: علم، مجرد ثلاثی) - نكرة - معرب / حال (= «قيد حالت» في الفارسية) و فعله «ارحموا»
- ۲) ضاع: فعل ماضٍ (للمفرد الغائب) - مجرد ثلاثی - لازم / الجملة فعلية، و موضحة للاسم النكرة «عالمًا»
- ۳) ارحموا: فعل أمر (للمجمع المخاطب) - مجرد ثلاثی - متعدي / فعل و فاعل، و مفعوله «عالمًا»، و الجملة فعلية
- ۴) جهال: اسم - جمع مكسر أو تكسير (مفردة: جاهل، مذکر) - اسم فاعل - نكرة - معرب / مضاف إليه و مجرور

پاسخ: گزینه ۱

(دشوار - تحلیل صرفی - ۱۳۰۲) (کنکور داخل ۱۴۰۱)

پاسخ تشریحی:

حال (= «قيد حالت» في الفارسية) ← مفعول أو مفعول به

حال در یک نگاه

حال در زبان عربی معادل قيد حالت در زبان فارسی است. منظور ما از حال، کلمه یا جمله‌ای است که حالت فرد یا افرادی را بیان می‌کند. به فرد یا افرادی که حال برای آن‌ها آورده شده صاحب حال، ذوالحال یا مرجع حال می‌گوییم.

حال در جمله از نقش‌های تکمیلی است. یعنی با حذف آن اشکالی به اساس جمله وارد نمی‌شود. نقش‌هایی مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول و ... نقش اصلی و مواردی مانند حال، مفعول مطلق، جار و مجرور از نقش‌های تکمیلی هستند.

مثال: «ذهب الطفل إلى الحديقة ضاحكاً»: کودک خندان به سوی باغ رفت.

مثال: «يلعب الأطفال الصغار في العُرقَة فَرَحِينَ»: بچه‌های کوچک در اتاق با خوشحالی بازی می‌کنند.

در دو جمله بالا به ترتیب «ضاحكاً» حال و «الطفل» ذوالحال و «فَرَحِينَ» حال و «الأطفال» ذوالحال هستند.

گروه آموزشی ماز



■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية
۱۸- عین الخطأ:

- ۱) الدینامیت: مادة صغبت أعمال الإنسان في المجالات المختلفة!
- ۲) الذؤوب: الذي يسعى في إنجاز عمله و لا يشعر بالتعب في حياته!
- ۳) تلؤث الهواء: هو من مهددات نظام الطبيعة التي تؤدي إلى الاختلال!
- ۴) الأسمدة: مواد كيميائية أو طبيعية لتقوية التراب الضعيف و نمو النباتات!

(متوسط - واژگان - ۱۲۰۲) (کنکور خارج ۹۸)

پاسخ: گزینه ۱

بررسی موارد:

- ۱) دینامیت: ماده‌ای که کارهای انسان را در زمینه‌های مختلف، دشوار کرده است.
 - دینامیت ماده‌ای است که اعمال انسان را ساده کرده نه این که سخت کند.
 - ۲) با پشتکار: کسی که در انجام دادن عملش تلاش می‌کند و در زندگی‌اش احساس خستگی نمی‌کند.
 - ۳) آلودگی هوا: آن از تهدید کنندگان نظام طبیعت است که به اختلال می‌انجامد.
 - ۴) کودها: موادی شیمیایی یا طبیعی برای تقویت خاک ضعیف و رشد گیاهان.
- سؤالاتی که از مفردات و کلمات طرح می‌شود، به خوبی گواه است که متن کتاب درسی و تمرین را نباید از یاد برد. سعی کنیم به تمام کلمات کتاب درسی تسلط داشته باشیم و مخصوصاً تمرین‌های کتاب را به خوبی حل کنیم و نکاتش را یاد بگیریم.

گروه آموزشی ماز

۱۹- عین الصَّحیح عن «لا» النافية للجنس:

- ۱) لا اليوم كيوم البعث، لا نعلم أسراره!
- ۲) لا فقر أسوأ من الجهل، يفتني عمرنا!
- ۳) لا فصل كالربيع، الأشجار فيه نضرة!
- ۴) لا قدرة أقوى من العقل لحل مشاكلنا!

(ساده - قواعد - ۱۲۰۱) (کنکور خارج ۹۸)

پاسخ: گزینه ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

- رد گزینه ۱: اسم لای نفس جنس نباید «ال» بگیرد.
- رد گزینه ۲: خبر لای نفس جنس «مرفوع» است و باید ضمّه بگیرد نه فتحه.
- رد گزینه ۳: انتهای اسم لای نفس جنس باید «فتحه» بگیرد.

لای نفس جنس

هرگاه بخواهیم چیزی را به‌طور مطلق نفی کنیم، از لای نفی جنس استفاده می‌کنیم. پس از لای نفی جنس، یک اسم و یک خبر می‌آید. اسم آن بلافاصله بعدش می‌آید و باید بدون «ال» و بدون «تنوین» باشد. انتهای اسم لای نفس جنس، «فتحه» قرار می‌گیرد. خبر لای نفس جنس می‌تواند یک اسم «مرفوع» یا یک «فعل» باشد. لای نفی جنس را به شکل «هیچ ... نیست» ترجمه می‌کنیم.

گروه آموزشی ماز

۲۰- عین ما ليس فيه الحال:

- ۱) لا تتسامحوا و أنتم تحسبون أن لكم فرصة كثيرة،
- ۲) لأنكم إذا تبدؤون بالعمل و هو يحتاج إلى زمان،
- ۳) لا تجدون الفرصة كثيرة و هي قليلة و قصيرة دائماً،
- ۴) فيجب أن تستفيدوا من الفرصة و لو كانت قليلة!

(ساده - قواعد - ۱۲۰۲) (کنکور داخل ۹۹)

پاسخ: گزینه ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) و أنتم تحسبون
- ۲) و هو يحتاج
- ۳) و هي قليلة

حال، دو دسته است:

- ۱) مفرد (از نوع اسم)
- ۲) جمله (از نوع جمله اسمیه)



حال مفرد:

جایگاه: معمولاً بعد از اجزای اصلی جمله می‌آید.

کاربرد: بیانگر حالت و چگونگی فاعل، نایب فاعل، مفعول و ... است.

شرایط: اسمی است نکره و منصوب؛ یعنی آخر آن به «ـَ» ، «ـِ» یا «ـِ» ختم می‌شود.

به آن کلمه‌ای که حالت و چگونگی آن توضیح داده می‌شود، «مرجع حال / صاحب حال» گفته می‌شود که حتماً اسمی معرفه است!

به این جدول نگاه کن تا تفاوت‌های حال مفرد و صفت رو خوب متوجه بشی:

صفت	عدد	جنسیت	إعراب	معرفه / نکره
صفت	پیرو موصوف	پیرو موصوف	پیرو موصوف	پیرو موصوف
حال	پیرو صاحب حال	پیرو صاحب حال	منصوب	نکره

مثال: $\frac{\text{البنث الفرقة}}{\text{موصوف صفت}}$: دختر خوشحال رفت. $\frac{\text{البنث فرقة}}{\text{صاحب حال}}$: دختر، با خوشحالی رفت.

در این دو مثال دیدیم که از نظر «معرفه و نکره بودن» و «حرکت آخر کلمه»، حال با صاحب حال متفاوت بودند، اما صفت به طور کامل از موصوف خود پیروی کرد.

حال جمله

جمله‌ای است که حالت یک اسم معرفه را بیان می‌کند. (مراقب باشید آن را با جمله وصفیه اشتباه نگیرید!)

جمله وصفیه: جمله‌ای است که یک اسم نکره را توصیف می‌کند.

جمله حالية: جمله‌ای است که حالت یک اسم معرفه را بیان می‌کند.

فرمول جمله حالية: جمله‌ای که اسم معرفه در آن است + و + مبتداً (که معمولاً ضمیر است) + خبر ← جمله حالية

مثال: أَشَاهِدُ قَاسِمًا وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ: قاسم را می‌بینم در حالی که میان دو درخت نشسته است.

توجه ۱: در آغاز جمله حالية، «واو حالية» می‌آید و باید مراقب باشیم با انواع دیگر «و» (مثل واو عطف) اشتباه نشود!

توجه ۲: گاهی بعد از واو حالية ضمیر نمی‌آید بلکه یک اسم می‌آید که در این صورت برای تشخیص درست باید به ترجمه جمله توجه کنید:

أنفق من أموالی و حاجتی بها أكثر: از اموال من می‌بخشم در حالی که نیاز من به آن بیشتر است.

گروه آموزشی ماز

۲۱- عین المستثنی و المستثنی منه اسمی مکان:

۱) وجدتُ مصادر جميع الكتب في المكتبة إلا مصدر هذا الكتاب!

۲) بنی المهندسون غُرفاً متعدّدة في هذه المدرسة إلا مخزناً للكتب!

۳) سافر السياح إلى كلّ المناطق في البلاد الأخرى إلا منطقة في الشرق!

۴) وصلنا إلى المطار متأخرين لأنّ الشوارع كانت مزدحمة إلا الشارع الأخير!

(دشوار - قواعد - ۱۴۰۳) (کنکور داخل ۹۹)

پاسخ: گزینه ۱

پاسخ تشریحی:

صورت سوال گزینه‌ای را می‌خواهد که مستثنی و مستثنی منه هر دو اسم مکان باشند.

بررسی گزینه‌ها:

- | | | |
|---|-----------------------------|---|
| ۱ | مصدر: مستثنی اسم مکان | مصادر: مستثنی منه اسم مکان |
| ۲ | مخزناً: مستثنی اسم مکان | غُرفاً (جمع غرفة): مستثنی منه اسم مکان نیست |
| ۳ | منطقة: مستثنی اسم مکان نیست | كلّ المناطق: مستثنی منه اسم مکان نیست |

نکته

دقت داشته باشید طبق کتاب درسی، وزن‌های مفعّل، مفعّل و مفعّلة اسم مکان هستند. در صورتی که «منطقة» بر وزن «مفعّلة» است پس اسم مکان نیست.

۴ الشّرع: مستثنی اسم فاعل است الشّولع: مستثنی منه اسم فاعل است

اسم‌های مکان بر وزن‌های زیر دیده می‌شوند:

- ۱- «مفعّل» ← مَعْبَد ۲- «مفعّل» ← مَنَجِم ۳- «مفعّلة» ← مَطْبَعَة

چند نکته

۱- اسم‌های مکان در حالت جمع، بر وزن «مفاعِل» می‌آیند. مانند: مَسَاجِد، مَعَابِد و ...

۲- اسم‌هایی که بر وزن «مفاعِل» هستند اگر به معنای مکان نباشند، اسم مکان محسوب نمی‌شوند. مانند: مَكَارِم، مَنَاصِب، مَحَاسِن و ...

۳- اسم مکان ممکن است بر وزن‌های «مَفْعَل» یا «مَفَال» یا «مَفْعی» هم بیاید. مانند: مَمَرٌ، مَزَارٌ، مَرْمی



تذکر

«مناطق» جمع «منطقه» و «موانع» جمع «مانع» است که هیچ‌کدام اسم مکان محسوب نمی‌شوند.

گروه آموزشی ماز

۲۲- عین ما لیس فیهِ «الحال»:

- (۱) لا تتسامحوا و أنتم تحسبون أن لكم فرصة كثيرة،
(۲) لأنکم إذا تبدؤون بالعمل و هو یحتاج إلى زمان،
(۳) لا تجدون الفرصة كثيرة و هي قليلة و قصيرة دائماً،
(۴) فیجب أن تستقیّدوا من الفرصة و لو كانت قليلة!

پاسخ: گزینه ۴

(ساده - قواعد / خط به خط - ۱۲۰۲) (کنکور خارج ۹۹)

بررسی موارد:

- ۱ «و أنتم تحسبون» جمله حالیه است.
- ۲ «و هو یحتاج» جمله حالیه می‌باشد.
- ۳ «و هي قليلة» جمله حالیه است.
- ۴ در این گزینه «و لو كانت قليلة» نمی‌تواند جمله حالیه باشد، زیرا پس از واو حالیه، باید ضمیر داشته باشیم.

حال

حال در عربی همان قیدحالت در فارسی است.

مثال: محسن، نفس زنان صحبت می‌کند. علی، شادمان به مدرسه می‌رود. زهرا، پر نشاط درس می‌خواند.

حال، یک اسم یا یک جمله است که حالت یکی از نقش‌ها (مبتدا، فاعل، مفعول، نایب فاعل و ...) را بیان می‌کند.

مثال بیشتر: رأیْتُ الولدَ، مسروراً (حالت مفعول)

ذهبتَ البنْتُ، فرحاً (حالت فاعل)

اشتغلَ المنصورُ فی المزعره، نشیطاً (حالت فاعل)

حال به دو صورت حال مفرد و جمله‌حالیه در عربی دسته بندی می‌شود.

حال مفرد

حال مفرد، یک کلمه است که برای بیان حالت فاعل، نائب فاعل، مفعول و ... در جمله ظاهر می‌گردد و ۳ ویژگی برجسته دارد.

۱- یک اسم منصوب است.

۲- باید یک اسم نکره باشد.

۳- باید معنای وصفی بدهد. یعنی باید اسم فاعل، اسم مفعول، اسامی بر وزن فَعیل (حزین) و فَعِل (فرح) و فَعْلان (جوعان) یا اسم مبالغه باشد.

نکته: مصدر چون معنای وصفی ندارد، نمی‌تواند حال باشد.

نکته: بهتر است علامت نصب را یادآوری داشته باشیم.

- اسامی مفرد اگر منصوب شوند، انتهای آن‌ها « - یَا » می‌گیرد.

اگر اسم، «ال» داشت، - می‌آید. المعلمَ، تلمیذاً

- اگر اسم ما مثنی باشد، انتهای واژه « - ین » می‌گیرد.

منضدّین، طالبین

- در اسامی جمع، انتهای واژه « ین » می‌گیرد.

مدرّسین، معلّمین

نکته خیلی مهم: الجمل بعد النکرات، صفات. (جمله های پس از اسامی نکره، صفت هستند.)

الجمل بعد المعارف، احوال. (جمله های پس از اسامی معرفه، حال هستند.)

پس مرجع حال ما حتماً باید یک اسم معرفه باشد. یعنی آن نقشی که در مقام بیان حالتش هستیم، نباید نکره باشد.

رأیْتُ ولداً مسروراً: مسروراً به «ولداً» که یک اسم نکره است برمی‌گردد، پس صفت است.

رأیْتُ الولدَ مسروراً: مسروراً به «الولدَ» که یک اسم معرفه است برمی‌گردد، پس حال است.

نکته: «اسم علم» می‌تواند تنوین بگیرد و همچنان معرفه باقی بماند.

هدی نوحُ قومَه مشتاقاً: نوح مشتاقانه قومش را هدایت کرد.

نکته: معمولاً حال را با «خبر افعال ناقصه» اشتباه می‌گیرند:

علیک أن تكون مُسرّعاً: تو باید سریع باشی. (اینجا «مسرّعاً» خبر «تكون» است نه حال)

یُصبِحُ / یُصبِرُ علی متحیراً: علی متحیر می‌شود. (اینجا «متحیراً» خبر «یُصبِحُ» است نه حال)

نکته: بعضی افعال مثل «جَعَلَ» دو مفعول میگیرند و گاهی مفعول دوم آنها با حال مشتبه می‌شود.

اللهم اجعل هذا بلداً آمناً (آمناً در این جمله مفعول دوم فعل است و حال نمی‌باشد.)



نکته مهم: صیغه حال با مرجع حال باید تطابق داشته باشد. (منظور از صیغه، جنس و تعداد می باشد).

مثال: کانت مُعَلِّمَتی تُشَاهِدُ حُجَّاجاً (مشتاقه / مشتاقین)

برای این جمله می توانیم «مشتاقه» را به عنوان حال به کار ببریم. زیرا مرجع آن یعنی «معلمه» هم مفرد مونث است اما نمی توانیم واژه «مشتاقین» را به عنوان حال بیاوریم زیرا که با صیغه مرجع حال مطابق نیست.

نکته: صاحب حال، مضاف و موصوف نقش نیستند. درحالی که حال، صفت و مضاف الیه نقش هستند. پس اگر یک کلمه صاحب حال، مضاف یا موصوف بود، نقش آن می تواند فاعل، مفعول، نائب فاعل و... باشد.

أنا أريد أن أَلْعَبَ معكم مشتاقاً (أنا صاحب حال و دارای نقش مبتدا)

هو رسولُ الله (رسول مضاف و دارای نقش خبر)

ذلك معلی الحنُونُ (معلم موصوف و دارای نقش خبر)

نکته تکمیلی: حال و مرجع حال از نظر تعداد و جنس نیز باید با هم مطابقت داشته باشند.

لا تَصْعُرُ المومِنُ خَدَّه مغروراً (مغروراً و المومِنُ هر دو مفرد مذکر)

يَرْجِعُ الحجاجُ مشتاقينَ (حجاج و مشتاقین هردو جمع مذکر)

نکته مهم: اگر ضمیر صیغه متکلم مع الغیر باشد، حال به چهار صورت می تواند بیاید:

۱) جمع مذکر (۲) جمع مونث (۳) مثنی مذکر (۴) مثنی مونث

مثال: نحن وصلنا الى المطار ...

۱) متأخرينَ (۲) متأخراتِ (۳) متأخرينَ (۴) متأخرينَ

و اگر صیغه متکلم وحده باشد می تواند مذکر و یا مونث بیاید.

أنا أذهبُ الى السوق: فرحاً (درست) فرحاً (درست)

نکته مهم: حال در ترجمه هم بسیار موثر است و باید مطابق با مرجع آن ترجمه شود.

شاهدنا الأم فرحاً:

با شادمانی مادر را دیدیم: نادرست!

مادر را شادمان دیدیم: درست! (حال به مادر بر می گردد زیرا که مونث است).

شاهدنا الأم فرحين:

مادر را شادمان دیدیم: نادرست!

با شادمانی مادر را دیدیم: درست! (تطابق حال با مرجع حال از نظر صیغه)

جمله حالیه

فرمول این جمله: واو + ضمیر (که در نقش مبتداست) + خبر

رَأَيْتُ الفلاحَ وَهُوَ يَجْمَعُ المحصولَ أَشْهَدُ قاسماً وَهُوَ جالسٌ

و لا تحزنوا وَ انتم الأعْلَوْنَ يوتون الزكاة وَ هم راكعونَ

- حتما باید بعد از واو یک اسم بیاید تا جمله حالیه باشد.

نحن نسعى أَن نعملَ عملاً مفيداً وَ لَنَتَكَلَّمُ فقط. (جمله حالیه نیست زیرا که بعد از واو، یک فعل آمده است).

- ترجمه واو حالیه با کلماتی مثل «درحالی که، حال آنکه، با اینکه و...» است.

- در حال جمله اسمیه، حتماً باید قبل از واو، یک اسم معرفه بیاید که همان مرجع حال است.

- واو ابتدای جمله حالیه ضروری است و جایگزینی مثل «ف» ندارد.

گروه آموزشی ماز

۲۳- عَيْنَ مَا لَمْ يُذَكَّرْ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ:

۱) تُحَافِظُ طَالِبَاتٌ مَدْرَسَتَنَا عَلَى النَّظْمِ إِلَّا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ!

۲) لَمْ يَحْضُرْ أَصْدِقَانِي فِي الْحَفْلِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ!

۳) لَا يُرَبِّي أَبِي فِي مَزْرَعَتِهِ إِلَّا الطَّيُورَ الْأَهْلِيَّةَ!

۴) يَهْتَمُّ مَوَاطِنُونَا بِنِظَافَةِ الْبَيْتَةِ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ!

پاسخ: گزینه ۳

(متوسط - قواعد / خط به خط - ۱۲۰۳) (کنکور خارج ۹۹)

بررسی سایر گزینه ها:

در گزینه ۳، مستثنی منه موجود نیست و در نتیجه اسلوب حصر (مستثنی منه محذوف) داریم.

در گزینه ۱ طالبات، در گزینه ۲ اصدقاء و در گزینه ۴ مواطنون، مستثنی منه هستند.

اسلوب استثنا

گاهی قصد داریم در هنگام بیان یک حکم کلی، مورد یا مواردی جزئی را از دایره شمول این حکم خارج کنیم؛ در این صورت از اسلوب استثناء استفاده می کنیم.

فرمول کلی اسلوب استثناء: ... مستثنی منه ... + إِلَّا + مستثنی

این اسلوب سه جزء دارد:

۱- مستثنی: آنچه از حکم کلی قبلی جدا و از دایره شمول آن خارج شده است.

۲- مستثنی منه: آن اسم کلی که مستثنی از آن جدا شده است.



۳- ادات استثنا: کلمه «إِلَّا» می‌باشد.

حضر الزملاء في الإمتحان إِلَّا حامداً (الزملا: مستثنی منه، حامداً: مستثنی، إِلَّا: ادات استثناء)

كلُّ شيءٍ هالكٌ إِلَّا وجهه (كلُّ شيءٍ: مستثنی منه، وجهه: مستثنی، إِلَّا: ادات استثناء)

نکته: مستثنی منه مانند مضاف و موصوف، نقش نیست.

نکته مهم: مستثنی منه معمولاً با «كل» می‌آید و حتماً باید کلی‌تر از مستثنی باشد. اگر مستثنی‌منه از مستثنی کلی‌تر نباشد، اسلوب استثناء نادرست می‌شود. مثال: أنا لا أساعدُ أخِي إِلَّا جواداً: در این جمله، چون «أخِي» مفرد است و در حقیقت همان «جواد» می‌باشد، اسلوب نادرست است.

– اگر در جمله ما، مستثنی منه حذف شود، با اسلوب حصر مواجه هستیم.

لا تذهبِ إلى المدرّسةِ إِلَّا فاطمةُ / ما قرأتُ إِلَّا قرآناً / ما نصّرتُني إِلَّا اللهُ

– در جملات مثبت و غیر سوالی، اسلوب استثنا داریم و در جملات منفی، اکثراً اسلوب حصر می‌بینیم.

– در واقع در عبارات با اسلوب حصر، مستثنی منه محذوف، یکی از ارکان اصلی جمله بوده که به بعد از «إِلَّا» منتقل شده است؛ در نتیجه جمله قبل از «إِلَّا» از نظر قواعدی، ناقص است.

لا تذهبِ إلى المدرّسةِ إِلَّا فاطمةُ

در این جمله، «فاطمة» فاعل فعل «لا تذهب» بوده است که به بعد از «إِلَّا» منتقل شده.

ما قرأتُ إِلَّا قرآناً

یا در این عبارت، «قرآناً» مفعول فعل «ما قرأت» بوده است.

ما نصّرتُني إِلَّا اللهُ

هم چنین در اینجا، «الله» فاعل فعل «ما نصرتني» بوده است.

– مستثنی همواره منصوب است.

– در اسلوب حصر، کلمات بعد از إِلَّا می‌توانند حرکات مختلفی داشته باشند، بنابر نقشی که در جمله قبل از إِلَّا داشته اند. دیدیم که در جملات بالا، اسامی بعد از إِلَّا در اسلوب حصر، مرفوع و منصوب بودند.

پس اگر اسم بعد از إِلَّا مرفوع بود، صد در صد اسلوب حصر داریم و اگر منصوب بود، باید بررسی بکنیم که حصر است یا استثناء.

– در اسلوب استثناء، معمولاً برای مستثنی منه، یک سری کلمه یا کلیدواژه کلی می‌آید که می‌تواند ما را در یافتن سریع‌تر مستثنی منه یاری کند. کلماتی مثل «أحد، شيء، عمل، أمر، كل، جميع و ...»

كلُّ شيءٍ يرْخُصُ بالإنفاقِ إِلَّا الادبُ، خَصَر جميعُ الطلابِ إِلَّا محمداً

– ترجمه اسلوب حصر و استثناء:

اسلوب حصر را به دو شکل منفی و مثبت (همراه با فقط یا تنها) می‌توانیم ترجمه کنیم.

ما رأيتُ إِلَّا حسيناً: ندیدم مگر حسین را / فقط حسین را دیدم.

اما اسلوب استثناء تنها به صورت مثبت ترجمه می‌شود و با کلماتی مثل «مگر» و «به جز»

ما رأيتُ تلميذاً إِلَّا حسيناً: دانش‌آموزی را به جز حسین ندیدم / دانش‌آموزی را ندیدم مگر حسین.

گروه آموزشی ماز

۲۴- عَيْنُ خَيْرِ الحُرُوفِ المَشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ فِعْلاً:

(۱) لعلَّ العالمَ الَّذي أنتظره و تكلمْتُ عنه، محبوبٌ لك أيضاً!

(۲) لا تَأسُوا من رَحمةِ الله، إِنَّها قَريبةٌ من المحسِنين!

(۳) أكرمُ أصدقاكَ، كأنهم جناحُكَ الَّذي به تُطير!

(۴) ليتَ إطعامُ مساكيننا يَكونَ ممَّا نحن نأكل!

(دشوار - قواعد - ۱۲۰۱) (کنکور داخل ۱۴۰۰)

پاسخ: گزینه ۴

بررسی گزینه‌ها:

- ۱ محبوب (اسم)
- ۲ قریبه (اسم)
- ۳ جناح (اسم)
- ۴ یكون (فعل)

انواع خبر

۱. خبر مفرد

این «مفرد» هیچ ربطی به مثنی و جمع ندارد. یعنی منظورمان این نیست که این خبر هیچگاه مثنی و جمع نمی‌شود. منظور خبری است که فقط یک اسم بوده و جمله یا شبه جمله نباشد. «هذا التلميذُ ناجحٌ: این دانش‌آموز، موفق است» / «الطلابُ مُجتهدون: دانش‌آموزان کوشا هستند»

۲. خبر جمله

منظور خبری است که یک جمله باشد. حالا این جمله می‌تواند اسمیه یا فعلیه باشد که البته برای شما اکثراً فعلیه است. توجه داشته باشید که ما در زبان عربی هر فعل را یک جمله فعلیه محسوب می‌کنیم. به این دلیل در دو جمله نخست زیر، «يَذْهَبُونَ» و «كَتَبْتُ» را خبر جمله فعلیه در نظر می‌گیریم.

مثال: «الطلابُ يَذْهَبُونَ إلى المدرّسةِ» / «فاطمةُ كَتَبَتْ درسها» / «عليٌّ دَرَسَ جيداً»



مثال: «ما الحياة الدنيا إلا لعبٌ و لهو»: عبارت قبل از **إلا** به تنهایی ناقص است: «ما الحياة الدنيا» (زندگی دنیا نیست!!)

زمانی که مستثنی منه حذف می‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟

در جملاتی که «إلا» دارند، اگر مستثنی منه حذف شده باشد، می‌توانیم «إلا» را به معنای «فقط» یا «تنها» بگیریم. در این حالت می‌گوییم «جمله را می‌توان به صورت مثبت و مؤکد ترجمه کرد».

مثال: «لا تَقُلْ إِلَّا الْحَقَّ» ← فقط حق را بگو.

اما برای اینکه بفهمیم که مستثنی منه حذف شده است می‌توانیم به نکات زیر توجه کنیم:

- (۱) اگر جمله پیش از «إلا»، مثبت باشد، حتماً مستثنی منه در جمله وجود دارد.
- (۲) اگر جمله پیش از «إلا» از لحاظ معنایی ناقص باشد، یعنی مستثنی منه محذوف است.
- (۳) اگر بعد از «إلا» جار و مجرور بیاید، غالباً مستثنی منه محذوف است.

گروه آموزشی ماز

۲۶- عین «دووب» **حالا:**

- (۱) ليتني أصبح دُوبًا في اكتساب العلم!
- (۲) لا يتقدّم في الحياة إلا من يُحاول دُوبًا!
- (۳) من كان أميرًا يجب أن يكون دُوبًا و حليماً!
- (۴) رأيت طالبًا دُوبًا يستمرّ في أعماله لأهدافه العالية!

(متوسط - قواعد - ۱۲۰۲) (کنکور خارج ۱۴۰۰)

پاسخ: گزینه ۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ دُوبًا در اینجا خبر فعل ناقصه أصبح است.
- ۳ دُوبًا در این گزینه هم خبر است برای فعل ناقصه يكون.
- ۴ دُوبًا صفت است برای کلمه طالب.

حال، دو دسته است:

- (۱) مفرد (از نوع اسم)
- (۲) جمله (از نوع جمله اسمیه)

حال مفرد:

جایگاه: معمولاً بعد از اجزای اصلی جمله می‌آید.

کاربرد: بیانگر حالت و چگونگی فاعل، نایب فاعل، مفعول و ... است.

شرایط: اسمی است نکره و منصوب؛ یعنی آخر آن به «ت»، «ین - بن» یا «ات» ختم می‌شود.

به آن کلمه‌ای که حالت و چگونگی آن توضیح داده می‌شود، «مرجع حال / صاحب حال» گفته می‌شود که حتماً اسمی معرفه است! به این جدول نگاه کن تا تفاوت‌های حال مفرد و صفت رو خوب متوجه بشی:

عدد	جنسیت	إعراب	معرفه / نکره
صفت	پیرو موصوف	پیرو موصوف	پیرو موصوف
حال	پیرو صاحب حال	منصوب	نکره
البنّ الفرقة	البنّ الفرقة		

مثال: ذَهَبَتْ موصوف صفت : دختر خوشحال رفت. ذَهَبَتْ صاحب حال حال : دختر، با خوشحالی رفت.

در این دو مثال دیدیم که از نظر «معرفه و نکره بودن» و «حرکت آخر کلمه»، حال با صاحب حال متفاوت بودند، اما صفت به طور کامل از موصوف خود پیروی کرد.

انواع منصوبات

- ۱- مفعول به (مفعول عادی): إِنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ الْعِبَادَ.
- ۲- مفعول مطلق: اجْتَهِدْ الْأُمَّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْغَا.
- ۳- اسم حروف مشبّهه بالفعل: لَيْتَ مُهْدِيًا فَائِزٌ فِي الْمَسَابَقَةِ.
- ۴- خبر افعال ناقصه: أَصْبَحَتِ الْأَرْضُ مُخْضِرَةً.
- ۵- حال: أَنْظِرْ فِي وَجْهِهِ وَالِدَيْكَ مُتَسِيمًا.
- ۶- مستثنی: يَحْضُرُ كُلُّ الطَّلَابِ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا عَلِيًّا.
- ۷- صفت برای موصوف منصوب: أَنَا أَشَاهِدُ أَسْتَاذًا عَالِمًا فِي الْمَدْرَسَةِ.

گروه آموزشی ماز



۲۷- عین أسلوب الاستثناء معناه الحصر:

- (۱) ما اهتم هذا الفيزيائي في كشف هذه المادة بالآخرين إلا عالماً واحداً!
(۲) لم تُضعِف المشاكلُ عزمَ التلميذ في أداء جميع واجباته إلا الأخير!
(۳) لا يُمنَحُ المُحسنُ ثروته لِكُلِّ مَنْ يدَّعي أَنه يحتاج إليها إلا أسرته!
(۴) لم يَكُنْ هدفُ نوبل من اختراع الدِيناميت إلا الإعمار و البناء!

پاسخ: گزینه ۴

پاسخ تشریحی:

سوال از ما می خواهد که أسلوب حصر را پیدا کنیم؛ یعنی استثنائی که مستثنی منه آن محذوف است.
در گزینه ۱ «الآخرین»، در گزینه ۲ «مشاكل» و در گزینه ۳ «كل من» مستثنی منه هستند.

اسلوب استثنا با مستثنی منه محذوف (استثنا مؤکد)

زمانی که جمله قبل از منفی باشد و مستثنی منه قبل از آن نیامده باشد دو حالت در ترجمه داریم: هم می توانیم جمله را به صورت مثبت با کلمه (فقط - تنها) و هم به صورت منفی (مطابق عبارت عربی) ترجمه کنیم.
مثال: ما رَجَعَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ إِلَّا عَلِيٌّ.
- فقط علی از مدرسه برگشت.
- کسی جز علی از مدرسه برگشت.
اگر قبل از آن کلمات (کل - شيء - بعض - جميع - أحد) بیاید = به احتمال زیاد مستثنی منه داریم.
اگر پس از آن (من + ضمیر) ← مِنْهُمْ - منها و ... داشته باشیم = به احتمال زیاد مستثنی منه داریم.
اگر قبل از آن، جمله کامل داشته باشیم مستثنی منه داریم اما اگر جمله ناقص داشته باشیم، مستثنی منه محذوف است

گروه آموزشی ماز

۲۸- عین المعادل للمؤكد في الفارسية:

- (۱) هؤلاء يجتهدون في حياتهم اجتهداً بالغاً!
(۲) إعلم أَنَّ النجاح بحاجة إلى السعي المستمر!
(۳) يحتفل الإيرانيون كلَّ الأعياد القديمة إلا هذا العيد!
(۴) ما سجل اللاعبُ إلا هدفاً واحداً أوصل فريقه إلى الفوز النهائي!

پاسخ: گزینه ۴

پاسخ تشریحی:

در این گزینه، أسلوب حصر (یعنی مستثنی منه محذوف) داریم که به واسطه آن، جمله ما مؤکد گشته است.

بعضی از تاکیدگر ها در عربی

- حرف مشبیه بالفعل «إِنَّ»: إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ (قطعاً خداوند داناست).
- مفعول مطلق تأکیدی: کَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (خدا قطعاً با موسی سخن گفت).
- قد + فعل ماضی: هو قد ذهب (او رفته است).
- نون مشدد (نْ): و لا تحسبن الذين قُتِلوا في سبيل الله أمواتاً (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندارید).
- حرف «لَ» بر سر خبر إِنَّ: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ (بی گمان انسان در زیان است).

مفعول مطلق تأکیدی

اگر مصدر فعل بدون صفت (چه در قالب یک اسم و چه در قالب جمله وصفیه) و مضاف الیه بیاید، مفعول مطلق تأکیدی داریم.
کاربرد این مصدر، تأکید کردن روی فعل است و در ترجمه اش، از «یقیناً، حتماً، بی شک و ...» استفاده می کنیم.
مثال: کَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (خدا با موسی قطعاً سخن گفت)
مثال: و نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا (و فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند).
- مفعول مطلق تأکیدی، فقط فعل را مؤکد می سازد؛ پس در ترجمه حتما باید در جای مناسب و پیش از فعل قرار بگیرد.
مثال: استغفرُ الله استغفاراً
ترجمه نادرست: یقیناً از خداوند آمرزش خواستم.
ترجمه درست: از خداوند یقیناً آمرزش خواستم.

گروه آموزشی ماز

۲۹- عین المستثنی منه غير محذوف:

- (۱) لا يعملُ بوصايا أبي و أمي إلا أخي الأكبر!
(۲) لماذا لا تُستخدم في كلامك إلا الأشعار العربية!
(۳) لا يخرج أحدٌ من المكتبة إلا الذين يختارون كتاباً واحداً!
(۴) لن يسهر هذه الليلة على سريري ليساعدني إلا أبي!

پاسخ: گزینه ۳

پاسخ تشریحی:

در این گزینه، مستثنی منه «أحد» و مستثنی «الذين» می باشد.



اسلوب استثنا

گاهی قصد داریم در هنگام بیان یک حکم کلی، مورد یا مواردی جزئی را از دایره شمول این حکم خارج کنیم؛ در این صورت از اسلوب استثنا استفاده می‌کنیم. فرمول کلی اسلوب استثنا: ... مستثنی منه ... + إلا + مستثنی

این اسلوب سه جزء دارد:

۱- مستثنی: آن‌چه از حکم کلی قبلی جدا و از دایره شمول آن خارج شده است.

۲- مستثنی منه: آن اسم کلی که مستثنی از آن جدا شده است.

۳- ادات استثنا: کلمه «إلا» می‌باشد.

حضر الزملاء فی الإمتحان إلا حامداً (الزملاء: مستثنی منه، حامداً: مستثنی، إلا: ادات استثنا)

كلُّ شيءٍ هالِكٌ إلا وجهه (كلُّ شيءٍ: مستثنی منه، وجهه: مستثنی، إلا: ادات استثنا)

- مستثنی منه مانند مضاف و موصوف، نقش نیست.

نکته مهم: مستثنی منه معمولاً با «كل» می‌آید و حتماً باید کلی‌تر از مستثنی باشد. اگر مستثنی منه از مستثنی کلی‌تر نباشد، اسلوب استثنا نادرست می‌شود.

مثال:

أنا لا أساعدُ أخِي إلا جواداً: در این جمله، چون «أخِي» مفرد است و در حقیقت همان «جواد» می‌باشد، اسلوب نادرست است.

- اگر در جمله ما، مستثنی منه حذف شود، با اسلوب حصر مواجه هستیم.

لاتذهبُ إلى المدرّسةِ إلا فاطمةُ ما قرأتُ إلا قرآنًا ما نصّرنی إلا الله

- در جملات مثبت و غیر سوالی، اسلوب استثنا داریم و در جملات منفی، اکثراً اسلوب حصر می‌بینیم.

- در واقع در عبارات با اسلوب حصر، مستثنی منه محذوف، یکی از ارکان اصلی جمله بوده که به بعد از «إلا» منتقل شده است؛ در نتیجه جمله قبل از «إلا» از نظر قواعدی، ناقص است.

گروه آموزشی ماز

۳۰- عَيْن ما فيه كلمةٌ تُزيل الإبهام عن جملة ما قبلها:

(۱) تُسعى القطّة أن تُخفي نفسها عَنّا، و لكنّها ما كانت تعلم أنّنا نرى ذنبها!

(۲) أراد الخُجّاج صعودَ جبل النور، لعلّهم يُشاهدون «غار حراء»!

(۳) يا ليتنا نستطيع أن نرى تلك الظّاهرة الغريبة «أمطار السمك»!

(۴) يُحبّ الوالدان أولادهما مع أنّهم لا يُساعدونهما!

(ساده - قواعد - ۱۲۰۱) (کنکور داخل ۱۴۰۲)

پاسخ: گزینه ۱

پاسخ تشریحی:

«لکن» از جمله قبل خود رفع ابهام می‌کند.

لکن: ولی، اما

این حرف از حروف مشبّهه است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله ماقبل خودش است. این حرف کمک می‌کند توضیح بیشتری و شفاف‌تری در مورد جمله قبل بدهیم یا از آن رفع ابهامی کنیم که ممکن است در ذهن شنونده ایجاد شده باشد.

مثال: «هذا الزُّجْلُ يملكُ ثروةً كبيرةً لکنّه يعيشُ عيشاً بسيطاً»: این مرد ثروت بزرگی دارد اما / ولی ساده زندگی می‌کند.

گروه آموزشی ماز

۳۱- عَيْن ما ليس فيه «الحال»:

(۲) التلميذُ أعطى صديقَه الكتابَ و حاجتهُ إليه أكثر من صديقَه!

(۱) إنّ الفأر يسكن داخلَ الأرض و عدوّهُ القطّةُ تعيشُ فوق الأرض!

(۴) هل رأيت حتّى الآن ذلك المتشائم و هو يبتسم!

(۳) إذا اختلف الثّرابُ بالماء و أصبح طيناً يُستخدم في البناء!

(دشوار - قواعد - ۱۲۰۲) (کنکور داخل ۱۴۰۲)

پاسخ: گزینه ۳

پاسخ تشریحی:

این سوال خارج از حیطه کتاب درسی بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ و عدوّهُ القطّةُ تعيش ...

۲ و حاجتهُ إليه أكثر

۴ و هو يبتسم

جمله حالیه

گاهی برای بیان حالت یک اسم معرفه از جمله استفاده می‌کنیم. به ویژگی‌های این جمله دقت کنید:

۱. این جمله، یک جمله اسمیه است که بعد از یک حرف «و» می‌آید که به آن «واو حالیه» گفته می‌شود.

۲. «واو حالیه» بین دو جمله می‌آید. یعنی لازم است قبل «و» هم یک جمله وجود داشته باشد.



۳. دقت کنید که جمله بعد از «و» باید قابلیت بیان حالت را داشته باشد تا بتوانیم آن را حالیه حساب کنیم.
۴. در بیشتر اوقات بعد از «واو حالیه» یک ضمیر در جایگاه مبتدا مشاهده می‌کنیم. اما ممکن است که کلمه‌ای به جز ضمیر نیز در جایگاه مبتدا باشد.
- مثال:** «رَأَيْتُ الطِّفْلَ وَهُوَ يَصْحَكُ»: کودک را دیدم در حالی که می‌خندید.
- مثال:** «كَيْفَ يُمْكِنُ أَنْ أَصْعَدَ الْجَبَلَ وَ قَدْ مَيَّ تَوَلَّفَنِي»: چگونه ممکن است از کوه بالا بروم در حالی که پایم درد می‌کند.
- ساختار جمله دارای جمله حالیه:** «..... ذوالحال + و + مبتدا + خبر»

گروه آموزشی ماز

۳۲- عین الصحيح:

- (۱) لَا أَحَدٌ يَهْتَمُّ بِالْحَقِيقَةِ هُنَاكَ! (۲) لَا مَفْرَءَ لِمَنْ يَهْرَبُ! (۳) لَا الْكَنْزَ يُغْنِي مِنَ الْقَنَاعَةِ! (۴) لَا شَيْئًا يُفَرِّقُ بَيْنَنَا إِلَّا أَنْفُسُنَا!

(متوسط - قواعد - ۱۴۰۱) (کنکور خارج ۱۴۰۳)

پاسخ: گزینه ۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱. لَا أَحَدَ (اسم «لا»ی نفی جنس، «تنوین» نمی‌گیرد)
۳. لَا كَنْزَ (اسم «لا»ی نفی جنس، «ال» نمی‌گیرد)
۴. لَا شَيْءَ (اسم «لا»ی نفی جنس، «تنوین» نمی‌گیرد)

ویژگی‌های اسم لای نفی جنس

- به اسمی که بلافاصله بعد از لای نفی جنس می‌آید، اسم لای نفی جنس می‌گوییم.
- بعد از «لا»ی نفی جنس باید اسمی بیاید که فتحه (ـَ) دارد. اسم «لا»، هیچ‌گاه «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد.
- جمله‌ای که دارای «لا»ی نفی جنس باشد به صورت «هیچ... نیست» ترجمه می‌شود.
- اسم «لا» نکره می‌باشد.

گروه آموزشی ماز

۳۳- عَيْن مَا لَمْ يُحْذَفِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ:

- (۱) إِيَّاكَ وَ مَصَادَقَةَ الْجَاهِلِ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ صِدَاقَتُهُ إِلَّا الضَّرَرُ وَ الْخَسْرَانِ!
- (۲) كَلَّمَا تُحَاوِلُ لِلْوُصُولِ إِلَى الْغَايَةِ لِاتَّصِلَ إِلَيْهَا إِلَّا بِتَنْظِيمِ أَعْمَالِكَ!
- (۳) إِنَّ الْمُحْسِنِينَ لَا يَتْرَكُونَ لِأَوْلَادِهِمْ إِلَّا خَيْرًا يَنْعَكِسُ فِي أَعْمَالِهِمْ!
- (۴) لَا تَعْتَمِدْ عَلَى الْكَذَّابِ فَلَيْسَ قَوْلُهُ شَيْئًا إِلَّا سَرَابًا لَا حَقِيقَةَ فِيهِ!

(متوسط - قواعد - ۱۴۰۳) (کنکور خارج ۱۴۰۳)

پاسخ: گزینه ۴

پاسخ تشریحی:

«شَيْئًا» در گزینه ۴، مستثنی‌منه است. در سایر گزینه‌ها مستثنی‌منه حذف شده است.

راه میونبرش اینه

- ✓ اگر قبل از «إِلَّا» کلمات (کلّ - شيء - بعض - جميع - أحد) بیاید = به احتمال زیاد مستثنی‌منه داریم.
- ✓ اگر پس از «إِلَّا» (من + ضمیر) ← مِنْهُمْ - مِنْهَا و ... داشته باشیم = به احتمال زیاد مستثنی‌منه داریم.

برای اینکه بفهمیم که مستثنی‌منه حذف شده است می‌توانیم به نکات زیر توجه کنیم:

- (۱) اگر جمله پیش از «إِلَّا»، مثبت باشد، حتماً مستثنی‌منه در جمله وجود دارد.
- (۲) اگر جمله پیش از «إِلَّا» از لحاظ معنایی ناقص باشد، یعنی مستثنی‌منه محذوف است.
- (۳) اگر بعد از «إِلَّا» جار و مجرور بیاید، غالباً مستثنی‌منه محذوف است.

گروه آموزشی ماز



دغدغه‌هایی که با دوره دوپینگ برطرف می‌شود:



تأمین تست‌های استاندارد و لازم برای دوران جمع‌بندی



جمع‌بندی مبحثی و موضوعی دروس مختلف



داشتن برنامه منسجم برای ۵۵ روز آخر



ایجاد شرایط شبیه‌ساز کنکور سراسری با کنکورهای اخیر و آزمون‌های شبیه ساز و پیش‌بینی کنکور



بررسی کنکورهای سراسری که دغدغه اصلی دانش‌آموزان در ایام جمع‌بندی است



تأمین مطالب و درسنامه‌های فشرده برای مرور درس‌ها در ایام جمع‌بندی

۱۸ اسفند

شروع دوران گذار و ورود به ایام جمع‌بندی با مرور مبحثی و درس به درس

شروع ایام شبیه‌ساز کنکور سراسری با آزمون‌های تألیفی و کنکورهای سراسری

روز کنکور سراسری؛ روزی که باید در اوج باشید.

۲۸ فروردین

نقشه راه دوپینگ در یک نگاه

نکاتی که درباره دوره دوپینگ ۱۴۰۴ باید بدانید:

★ در آزمون‌های مبحثی دوپینگ (آزمون‌های تألیفی و آزمون کنکورهای سراسری)، از **ساعت ۸ صبح تا ۸ شب** فرصت دارید تا در آزمون شرکت کنید و بلافاصله پس از اتمام آزمون هر درس، می‌تونید پاسخنامه آزمون رو دریافت کنید و صدور کارنامه هم بعد از ساعت ۸ شب انجام میشه! (هدف از این دوره عیب‌یابی هست؛ نه سنجشی...)

★ در ۶ آزمون جامع دوپینگ (شامل آزمون‌های تألیفی و چهار کنکور سراسری)، همانند روال قبلی آزمون‌های ماز شما از **ساعت ۷ صبح تا ۵ عصر** فرصت دارید تا در آزمون شرکت کنید و بعد از ساعت ۵ عصر، فایل پاسخنامه و کارنامه آزمون را دریافت می‌کنید. (هدف از این آزمون سنجشی و تخمین رتبه است.)

★ در تمامی آزمون‌های دوپینگ امکان دانلود و پرینت دفترچه سؤالات در حین آزمون وجود دارد.

★ آزمون‌های ۲۱ فروردین ماز (جمع‌بندی نیمسال دوم دوازدهم) و همچنین آزمون‌های جامع ۲۸ فروردین و ۴ اردیبهشت برای دوپینگ‌ها نیز فعال است. (مشترک بین ماز و دوپینگ)

